مجلس شورای ملی
کتابخانه
۲۹۱۸۱

مجله
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه فردوسی

شمارهٔ اول بهار ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۵۵ هجری شمسی) سال دوازدهم

جلال متینی

تقدیم به
استاد مجتبی مینوی

رسم‌الخط بخشی از شرح تعرف
ذیلی بر مقاله
«رسم‌الخط فارسی در قرن پنجم هجری»

نگارنده در دو مقالهٔ «رسم‌الخط فارسی در قرن پنجم هجری»[1] و «تحول رسم‌الخط فارسی از قرن ششم تا قرن سیزدهم هجری»[2] اختصاصات و نیز تحول رسم‌الخط فارسی را با بررسی و مطالعهٔ متجاوز از دویست نسخهٔ خطی فارسی که در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورهای جهان نگهداری می‌شود، ذکر کرده است. بعلاوه در آن دو مقاله موضوعات تازه‌ای را نیز دربارهٔ رسم‌الخط فارسی در نه قرن گذشته مطرح ساخته که برخی از آنها با آراء صاحب‌

۱– مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات مشهد، شمارهٔ ۲ و ۳، سال سوم (پاییز ۱۳۴۶)، ص ۱۵۹–۲۰۶.

۲– مجلهٔ مذکور، شمارهٔ ۳، سال چهارم (پاییز ۱۳۴۷)، ص ۱۳۵–۱۶۲.

نظران ایرانی وخارجی متفاوت است ، ازجمله آن که قائل شدن دودورهٔ مشخص برای رسم الخط فارسی بعنوان قدیم وجدید ، براساس ضوابط زیرین درست نیست :

۱ـ اگردرنسخه‌ای کاتب چهارحرف فارسی «پ، چ، ژ، گ» را از حروف مشابهش «ب، ج، ز، ك» مشخص کرده باشد ، وقاعدهٔ ذال فارسی را مراعات ننموده، وکلمه‌های «که» و«چه» را بهمین شکل نوشته باشد ، رسم الخط آن نسخه جدید ومتعلق به سه چهارقرن اخیراست .

۲ـ اگردرنسخه‌ای چهارحرف فارسی مذکورباحروف مشابه آنها یکسان نوشته شده باشد ، وقاعدهٔ ذال فارسی درآن رعایت گردیده و کلمات «که» و«چه» به شکلهای : ك، کی، ج، جی، کتابت شده باشد رسم الخط آن قدیمی است .

* * *

درمقالهٔ نخستین که رسم الخط سه نسخهٔ خطی فارسی : الأبنیه عن حقایق الادویه مکتوب بسال ٤٤٧ ه.ق.[۳] ، هدایة المتعلمین فی الطب مکتوب بسال ٤٧٨ ه.ق.[٤] ، بخشی ازتفسیرپاك محتملاً مکتوب قبل ازسال ٤٥٠ ه.ق.[٥] ازجهات مختلف درآن موردبررسی قرارگرفته است ، به نسخهٔ خطی

۳ـ نسخهٔ محفوظ درکتابخانهٔ عمومی وین بشمارهٔ 'A. F. 340 که نسخه چاپی آن درسال ۱۸۵۹ میلادی به اهتمام زلیگمان ، ونسخهٔ عکسی آن به سال ۱۳٤٤ هجری شمسی به اهتمام آقای مجتبی مینوی وبتوسط بنیاد فرهنگ ایران بچاپ رسیده است .

٤ـ نسخهٔ محفوظ درکتابخانهٔ بادلیان آکسفورد انگلستان بشمارهٔ Ms. Pers. C. 37 که به سال ۱۳٤٤ به اهتمام اینجانب بتوسط دانشگاه مشهد بچاپ رسیده است .

٥ـ نسخهٔ محفوظ درکتابخانهٔ دانشگاه لاهور که نسخهٔ عکسی آن به سال ۱۳٤٤ به اهتمام آقای مجتبی مینوی وبتوسط بنیاد فرهنگ ایران بچاپ رسیده است .

چهارمی متعلق به‌قرن پنجم هجری به‌نام بخشی از شرح تعرف (التعرف لمذهب‌التصوف) که بدست ابوابراهیم مستملی بخاری به‌پارسی برگردانیده شده‌است اشاره کرده‌ام که چون درزمان‌نگارش آن‌مقاله ، بنا بعللی که درآنجا آمده‌است ، بنده‌را بدان دسترسی نبود ، اختصاصات رسم‌الخط آن‌نسخه در مقالهٔ «رسم‌الخط فارسی درقرن پنجم هجری» ذکر نگردید

اکنون‌که به‌نسخهٔ‌عکسی این کتاب دست‌یافته‌ام[۶] دراین‌مختصر در صددم به‌دوسبب رسم‌الخط نسخهٔ‌خطی‌بخشی از شرح تعرف را که ازجمله نسخه‌های خطی‌نادروگرانقدرفارسی متعلق‌به‌قرن‌پنجم هجری‌است معرفی کنم . توضیح‌آن‌که این‌نسخه‌که دارای ۵۲ ورق‌است درشوال سال ۴۷۳هـ.ق. کتابت‌شده واکنون درموزهٔ‌ملی‌پاکستان درشهرکراچی نگهداری می‌شود (اوراق این‌نسخهٔ‌خطی منطبق‌است با ۳۰صفحهٔ آخر جلد دوم و ۸ صفحهٔ آغاز جلدسوم شرح‌تعرف چاپ هند ، سال ۱۹۱۲ میلادی ورق آخر نسخهٔ خطی دنبالهٔ مطالب صفحه هشتم جلد سوم نیست) نخستین علت نگارش این‌مقاله قدمت و اهمیّت این نسخه است زیرا پس‌ازنسخهٔ‌خطی‌کتاب الأبنیه عن‌حقایق‌الأدویه مکتوب بسال۴۴۷هـ.ق محفوظ‌درکتابخانهٔ ملی‌وین، این‌نسخه قدیمی‌ترین نسخهٔ‌خطی‌فارسی‌است

۶ـ دراسفند ۱۳۵۱ پس‌ازشرکت درکنگرهٔ بین‌المللی شرق‌شناسان دانشگاه پنجاب درشهرلاهور ، فرصتی کوتاه دست‌داد که ازشهرکراچی وازموزهٔ‌ملی‌پاکستان نیزبازدید بعمل آوردم . دراین‌شهر دوست‌فاضل آقای پیرحسام‌الدین‌راشدی ، ایرانیان شرکت‌کننده درکنگره را به‌بخش نسخه‌های‌فارسی موزهٔ‌ملی‌پاکستان راهنمایی‌کردند . برحسب‌تصادف نسخهٔ مورد بحث‌را که‌سالها برای‌بدست‌آوردن نسخهٔ‌عکسی‌آن کوشش‌کرده‌بودم درآنجا بدست آوردم به‌تقاضای‌بنده آقای راشدی یك‌نسخه‌عکسی ازآنرابرای‌اینجانب به‌ایران‌فرستادند . فرصتی است‌مغتنم برای سپاسگزاری ازایشان

که تا به امروز شناخته شده است. علت دیگر معرفی نسخهٔ شرح تعرف آنست که رسم الخط این نسخه از جهات بسیار با آنچه دربارهٔ رسم الخط نسخه‌های خطی متعلق به قرن پنجم هجری: الأبنیه عن حقایق الأدویه، هدایة المتعلمین فی الطب، بخشی از تفسیر پاك گفته شده است تفاوت دارد. بدین جهت آنچه را که دربارهٔ رسم الخط نسخهٔ خطی بخشی از شرح تعرف بعرض می‌رسانم باید بعنوان ذیلی برمقالهٔ «رسم الخط فارسی در قرن پنجم هجری» تلقی کرد.

درمقالهٔ مزبور براساس سه نسخهٔ موجود خطی متعلق به قرن پنجم هجری چندموضوع بعنوان اصول کلی دررسم الخط فارسی آن روزگار ذکر شده است:

۱ــ دراین نسخه‌ها رسم الخط واحدی بچشم نمی‌خورد. هریك از کاتبان برای نوشتن برخی از حروف وکلمات علائم خاصی بکاربرده‌اند که در برخی ازموارد بااسلوب کتابت کاتبان دیگر اختلاف دارد. بعلاوه رسم الخط یك کاتب نیز ازآغاز تاانجام یك نسخه درموارد واحد یکسان نیست بدین ترتیب که کاتب درنوشتن یك حرف یا یك کلمه علائم مختلفی بکاربرده است.

۲ــ دراین نسخه‌ها کاتبان برای نگارش چهارحرف فارسی «پ، چ، ژ، گ» علامتهای خاص بکاربرده‌اند. سه حرف نخستین را مانندامروز باسه نقطه ازحروف مشابه «ب، ج، ز» متمایزساخته‌اند وحرف «گ» رانیز باقراردادن دو یاسه نقطه درزیر یابالای «ك» به‌شکلهای: ڮ، ڪ، ڲ، ڴ ازحرف کاف تازی مشخص کرده‌اند. ودراین مورد سه نسخهٔ مورد بحث را به‌دوبخش اساسی می‌توان تقسیم کرد:

الف ــ درنسخه‌های خطی الأبنیه عن حقایق الأدویه وهدایة المتعلمین فی الطب باآن‌که چهارحرف فارسی چنان‌که گذشت باعلامتی خاص مشخص

گردیده‌است ، ولی کاتبان این‌دونسخه این‌چهارحرف‌را درتمام‌موارد ، از ابتداء تاانتهای‌نسخه ، بانشانهٔ‌خاص ننوشته‌اند یعنی حرف«پ» را گاهی باسه‌نقطه و گاهی بایك‌نقطه بشکل«ب» نوشته‌اند وچنین‌است طرزنگارش «چ ، ژ ، گ» که‌بشکل«ج ، ز ، ك» نیز کتابت‌شده‌است .

ب - دونسخهٔ بخشی ازتفسیرپاك این‌چهارحرف تقریباً بی‌استثناء ازحروف‌مشابه : ب ، ج ، ز ، ك» مشخص‌گردیده‌است .

۳- درهرسه‌نسخهٔ موردبحث فاءاعجمی «ڤ» دربرخی ازکلمه‌ها باهمین نشانه مشخص‌گردیده‌است :

٤- حرف«ی» دراین‌نسخه‌ها بصورتهای گوناگون ونیز بانقطه وبی نقطه نوشته شده‌است . دراین‌سه‌نسخه طرزنگارش هیچ‌یك ازحروف‌مانند «ی» متنوع‌نیست .

٥- دوکلمهٔ«که» و«چه» درنسخهٔ الابنیه‌عن‌حقایق‌الادویه به‌شکلهای: ک، کی ، ج ، جی ، ودردونسخهٔ‌دیگر بصورتهای : ک، کی، که، ج، چ، جی، چی ، جه ، چه نوشته شده‌است . بعلاوه لفظ«که» درهدایةالمتعلمین فی‌الطب درمواردمتعدد باحذف هاء غیرملفوظ به‌کلمه‌بعد متصل نوشته شده‌است: کبر(که + بر)٥ ، ککسی(که + کسی)۷۸ ، کبرسد(که + به + رسد) ۲۸ .

٦- در دونسخهٔ الأبنیه عن‌حقایق‌الأدویه وهدایةالمتعلمین فی‌الطب بسیاری‌ازکلمات‌مشکول‌است‌ولی در«بخشی ازتفسیرپاك» تعداد این‌نوع کلمات کمتراست . وبدین‌جهت‌است که این‌سه‌نسخه مارابه‌طرزتلفظ اکثر کلمات مذکور دراین‌نسخه‌ها درقرن‌پنجم یا روزگارتالیف این‌کتابها نیز راهنمایی می‌کند .

اینك برای‌آن‌که‌بتوان تفاوتهای‌اساسی‌موجود دررسم‌الخط بخشی

ازشرح تعرف مکتوب بسال ٤٧٣ ه.ق. را باسه نسخهٔ خطی دیگر مذکور درمقالهٔ «رسم الخط فارسی در قرن پنجم هجری» موردبحث قرارداد ، لازم است نخست اختصاصات نسخهٔ خطی بخشی ازشرح تعرف از نظر طرز کتابت بشرح مورد بررسی قرارگیرد وسپس با مقایسهٔ رسم الخط نسخه‌های چهارگانهٔ خطی فارسی متعلق به قرن پنجم هجری موارد اختلاف را یادکرد .

رسم الخط بخشی از شرح تعرف: مختصات رسم الخط این نسخه در سه قسمت بشرح زیرین ذکرمی‌شود :

الف ـ طرزنگارش بعضی ازحروف الفبا وکلمات .

ب ـ کیفیت انفصال واتصال کلمه‌ها .

ج ـ ضبط تلفظ کلمات .

الف : طرزنگارش بعضی ازحروف وکلمات

آ : این حرف به‌دوشکل نوشته‌شده‌است :

۱ـ مانند رسم الخط رایج امروز :

آن ۲، ۵، ٦، ازبهرآن‌که ۲، ۳، ۱۰، ۱۱، آمد ۲، آتش ٤۱، آرامیدن ٤۹، آریم ٤٦، آورد ٤۹ .

۲ـ بی‌نشانه مد «~» :

ان ۹۳ ، ازبهران‌که ۸۵ ، اسمان ۸۷ ، بدیدآورد ۸٤ ، بران(بر+آن) ٦۰ ، مران(مر+آن) ۳ ، ازان ۲ ، اندران ١٤ ، الوده ٦۰ ، انجا ٥۸ ، ازانجا ٥٤ ، ادم ٥٥ ، اید ٥۲ ، ایمان‌اورد ٤۹ ، امده ، ارامیدن ۲۰ .

می‌توان گفت دراین‌باب کاتب ضابطه‌ای نداشته‌است چه‌گاهی «آ» را در یک کلمه به‌دوصورت مختلف ، حتی در یک صفحه ، نوشته‌است : اب ،

آب ۹۰ ، وان ان است ۲۳ ، وآن آن است ٦ ، وان آن است ۲۱ ، اتش ، آتش ٤۰ .

پ : منحصراً بایك نقطه نوشته شده است: باکی=پاکی ۱۰۱ ، بنداشت =پنداشت ٦۳ ، بهلو=پهلو ۲۰ .

ة : تاء مدور درچند کلمه بشکل هاء نوشته شده است : ببرکه تو= ببرکت تو ٤۸ ، مساعده کن=مساعدت کن ۸٦ .

چ : این حرف نیز بی استثناء بایك نقطه کتابت شده است : هیج ۹ ، جاره ٦۱ ، جشم ۸۸ ، جب ۹٦ .

ح : درزیر این حرف علامتی بدین شکل آمده است : الحاد ، ملحدان ، حاجت ۲ ، حاصل ٦ ، محبت ٤٤ .

د : کاتب درزیر این حرف نقطه‌ای گذاشته است : دارند ۳ ، دلیل ۸ ، اندرصدق ۹ ، ندا ۱۰ ، درست، شد ۱۱ ، دون حق ۸۲ ، کدورت ۳۱ .

ذ : دربسیاری ازموارد ذال فارسی باافزودن نقطه‌ای ازدال مشخص گردیده است : بایذگفتن ۱۵ ، دیذار ۱٤ ، یاذکرد ۹ ، بذر وماذر ٦٦ .

ر : درزیر این حرف نیز دراکثر کلمات مانند «د» نقطه‌ای هست : اندر کذر ذ۷ ، اخبار ۸ ، مر ۳ ، مکر ٦ ، کثرت ۹ .

ژ : این حرف فارسی درچندموردی که درنسخه آمده است همه جا با سه نقطه نوشته شده است : کژیها ۱۰ ، کژ ٦۸ .

س : این حرف به سه شکل نوشته شده است :

۱ــ باسه نقطه زیر «س» بشکل : سپفیر ۳ ، نفس ٤ ، بایست ۲۰ .

۲ــ بانوشتن علامتی درزیر «س» بشکل : شناسد ، راست ۳ ، دانست ۸ ، کسی ۱۱ ، جستن ۱۳ ، نخست ۳۷ ، رست ۷۸ .

۳ــ به شکل متداول امروز .

ش : به سه‌صورت نوشته شده‌است :

۱ـ دراکثرموارد بی‌نقطه : درست‌کست=درست‌گشت ۷ ، سنیدن =شنیدن ۸ .

۲ـ باقراردادن یك‌خط افقی‌کوتاه بربالای «سـ» : بوسَیده=پوشیده ۲۹ .

۳ـ باسه‌نقطه به‌شکل‌متداول امروزآن .

ص، ط : بایك‌نقطه در زیرهـریك ازآنهـا کتابت شده است : اخص خصوص ۴۷ ، فرط ۷۶ ، خاطر ۴ ، باطل ۶

ع : این‌حرف نیزمانند حرفهـای : «ح، س» باافزودن علامت «ٖ» نوشته‌شده‌است : عاشقی ۴ ، معرفت ۱۲ .

گ : فقط درچندمورد معدود باقراردادن نقطه‌ای درزیر «گ» ازکاف تازی مشخص گردیده‌است : گروهی ۲ ، ۸۵ . ولی دربقیهٔ کلمات کتابت‌آن با «ك» تفاوتی‌ندارد : كنك=گنگ ، كويا=گویا ، كردد=گردد ۱۵ .

ه : هاء غیرملفوظ به‌دوشکل «ه» و «ـہ» نوشته شده‌است : معاینه ۲۸ ، آدینه ۹۴ ، میانه ۲۸ ، قصه ۷۲ .

ی : اعم ازمصوت یاصامت عموماً به‌شکل «ي» نوشته شده‌است : كي ۲۶ ، وحي ۲ ، وي ۴۵ ، آباداني ۳۲ ، ويراني ۲ ، بدانهتي ۲ .

چه، که :

۱ـ «چه» دراکثرموارد به‌شکل امروزین آن‌نوشته‌شده‌است جز در «هرچه» و «آنچه» که‌بصورت : هرچ ۱۸ ، ۲۸ ، آنچ ۴، ۷، ۴۰، ۶۵ ، بدانچ ۴۰ ، کتابت شده .

۲ـ «که» نیز بهمین‌شکل که‌امروز نوشته‌می‌شود ـ بادورسم‌الخط : که ، كه کتابت‌شده‌است .

نَه : این کلمه به‌شکل رایج‌آن دررسم‌الخط امروز فارسی نوشته شده است : کم‌نه وبیش‌نه ۹۰ ، تانه‌خودرا اوردند ۲٤ ، وکس‌را بر کمال‌مشاهدهٔ وی راه‌نه ۳۳ . وچنین‌است طرزنگارش این کلمه هنگامی‌که پیش‌از فعـل آمده‌است .

ی (یاء نکره) پس‌ازکلمات‌مختوم به‌هاء غیرملفوظ بـه‌دوشکل نشان داده شده‌است :

۱ـ بی‌افزودن نشانه‌ای بعداز هاءغیرملفوظ : باره‌خوردم=پاره‌ای خوردم ۸٦ .

۲ـ باافزودن«ی» بادونقطه درزیر«ی» یابی‌افزودن نقطه: فریشته‌ی فرستاد ۸۷ ، نامه‌ی ۹۵ ، طایفه‌ی ٤۳ ، این‌بنده‌ي‌بود ۲۷ ، ذره‌ي ۲۲ .

کلمات مختوم‌به‌هاء غیرملفوظ درموقع اضافه‌شدن به‌کلمهٔ‌بعد

۱ـ باستثنای یکی‌دومورد‌علامتی‌به‌هاء غیرملفوظ اضافه‌نشده‌است: مشاهده‌همه=مشاهدهٔ‌همه ۳۰ ، چشمه‌آب=چشمهٔ‌آب ۳۰ .

۲ـ دریکی‌دومورد پس‌ازهاءغیرملفوظ ، نیمه‌اول حرف«ی» اضافه شده‌است : کوینده‌ء او=گویندهٔ‌او .

کلمه‌های‌مختوم به«الف» ، «و» یا«الف‌ممدود»

کویهامدینه=کویهای‌مدینـه ۹٦ ، ارزواین مقام‌خیزد ۷٤ ، مقتـدا خلق‌اند ۷۳ ،بقا ذات ٤٥ .

یاء مصدری ونکره پس‌از کلمـه‌های مختوم به «الف» یا «و» به‌دوشکل نوشته شده‌است :

۱ـ بایاء«ی» : روشنای=روشنایی۸۹، بکرانه دریای‌بیامد=دریایی ۸٦ ، چیزهای=چیزهایی ۲ ،ندآی=ندایی ۲۷ ، بلای=بلایی ۳۷ ، نیکوی =نیکویی ٥٥ ، دوی=دویی ۱۰۳ .

۲ــ بادو«ی» : جایی ۸٦ ، رسوایی ۷۸ .

یاء ضمیر به‌شکل «ی» نوشته شده‌است : کویی=گویی ٤۰ ، جویی۲۳، بازآیی ۸۷ .

نشانهٔ همزه درکلمه‌های عربی یانوشته نشده‌است : سوال ۷۲ ، مومن ٤٤ ، تاویل ٤۸ وچنین‌است درکلمهٔ«مسئله» که‌همزه درآن نشان داده نشده‌است : مسله ۲٤ ، ۸۱ ، ویاآن‌که کاتب بجای‌همزه ، حرف«ی» بکار برده‌است : خایف ، غایب٥٦ ، جایز۱۰۱ ، قایم۹۳ ، زایل۳۷ ، ملایکه۸۰ .

طرزنگارش کلمات‌زیرنیز دراین‌نسخهٔ‌خطی قابل‌توجه‌است : سدهزار ۷۳ ، همی‌غلتید ۷۸ ، زکاه ۱۳ ، زکوه=زکوة ٥۸ ، حیوه=حیات ۱۲، ۷۱ ، ابرهیم ۳۸ ، عثمن ۱ ، جبریل ۳۰ .

کاتب پس‌ازدوکلمهٔ«نیکو» و«آرزو»به‌شیوهٔ‌کاتبان قرن‌پنجم تا هفتم نیزالفی افزوده‌است : کمان‌نیکوا(=نیکو) بردن بانبیااولی‌تر ... وما تاویل نیکوا(=نیکو)نهیم . ٦۱ ، ارزوا(=آرزوی) تخت‌بلقیس‌کرد ۸۸ .

ب : انفصال واتصال کلمه‌ها

دراتصال وانفصال‌کلمات موضوعهای‌زیرین دررسم‌الخط کاتب‌نسخهٔ شرح‌تعرف قابل‌توجه‌است :

باء حرف اضافه: عموماً متصل به‌کلمهٔ‌بعد نوشته شده‌است : بعیسی ۸۱ ، بوی(به+وی)۱٦ ، بناوقت۱۳ ، بهر(به+هر)۱۳ ، بیك(به+یك) ۸۳ ، بحق ۱۱ ، بملوك ۳ ، بوقتی ۸۱ ، بنازیدن ۹ ، بحکایات۸٦ ، بجز ۵۰ .

باء تأکید :

۱ــ عموماً متصل به‌فعل نوشته شده‌است : ببیند ، بداند ، بگوید۸ ،

باستادی ۱۹ ، بباشد ، بیفزاید ۱۰۲ ، بیارامد ۸۶ ، بیاموزند ۵۰

۲– دریکی دومورد باءتأکید به‌فعل‌متصل‌نیست : به‌رسد ۷

نون نفی :

۱– اصل برانفصال‌است : نـه‌رسد ۱۱ ، نه‌کویی ۱۴ ، نه‌یارد ۱۴ ، نه‌کردند ۷۰ ، نه‌دانست ۸ ، نه‌پسندم۶۷ ، نه‌دارد۹۸ ، نه‌آموزند۵۶ ، نه‌اید ۶۰ ، نه‌آمدند۱۰۱ ، نه‌افتد٤ ، نه‌استد ۱۲

۲– درمواردی‌که بسیارنیست حرف‌نفی به‌فعل‌متصل‌هم نوشته‌شده است : نیارد۱٤ ، نبوذ۸ ، ندارد۵۷ ، نماند۹۲ ، نیاورد۳۶ ، نیفتد۶۱

معلوم‌می‌شود کاتب ضابطه‌ای نداشته چنان‌که فعل‌منفی ، «ندارد»، درصفحهٔ ۳۰این‌نسخه به‌دوشکل کتابت‌شده‌است : سه‌بارمنفصل وچهاربار متصل

صفت‌عالـی وتفضیلی. جزکلمه‌های «کمتر» و«بهتر»که بهمین شکل نوشته‌شده، دربقیه‌موارد «تر»و«ترین» جداکتابت شده‌است : اولی‌تر۱۶، نزدیک‌تر۳ ، قریب‌تر، قوی‌تر۸، قریب‌ترین ۲۵

کلمه‌های مرکب

۱– اساس براستقلال هرکلمه وجدانوشتن‌آنهاست: هیچ‌چیز ۷۵ ، هیچ‌کس ۳۵ ، جنان‌جن٤۱ ، کاه‌کاه ۹۰ ، یک‌بار۷٤ ، یک‌بارکی۷٤ ، یک‌سان ۱۰۲ ، بی‌حرمتی ۷۳ ، بی‌نهایت ۱۱ ، تنک‌دلی ۹۱ ، دوست‌دارترین ۵۵ ، راست‌کوی ۸۵ ، فرامشت‌کار۶۳ ، دروغ‌زن ۱۰۰ ،نکاه‌داشت ۲۶ ، نکاه‌دار ۵۰ ، هم‌راه‌کشت ۸۸ .

۲– بعضی ازکلمات –بخصوص‌الفاظی‌که جزءاولش‌لفظ«هم»است– به‌کلمهٔ‌بعد متصل‌نوشته شده‌است: همچن=همچون۱۲، ۷۰، ۹٤، همجنین ۳۲ ، همجنان۶ ، همجندان ۹۰ ، همانجا ۷٤ ، همبرین۱۲ ، همانکاه ۹۵ ،

آنگاه ١٤ ، شبانگاه ٨٢ ، جاشتگاه ٩٠ ، یکبارگی ٧٣ ، بیزار ٢ ، اینجا٤٦

«ها» نشانه‌جمع : درتمام‌موارد به‌کلمهٔ پیش‌ازخود پیوسته نوشته شده‌است : تاویلها ٥١ ، کویها٩٦ ، خانها(خانه+ها) ٩٥ ، قصها٧٨

همی : جدا ازفعل نوشته شده‌است : همی‌رفت ٧٨ ، همی‌کند ٣٤ ، همی‌افزاید ، همی‌گردد ١٢

... +را : بجز درکلمهٔ «کرا» ٦٦ ، دربقیهٔموارد «را» جدا ازکلمهٔ پیش نوشته شده‌است

آن+که: نیزجدا نوشته شده‌است : آن‌که ٢٦، ٥٣

کسی+که: همه‌جا جدا ازیکدیگرنوشته‌شده‌است : کسی‌که٢٣، ٤٥

این+جا: درتمام‌مواردمتصل وبه‌شکل«اینجا»کتابت شده‌است

چنان ، چندان ، همچنان+که : «چنانکه» درتمام‌موارد بهمین‌صورت کتابت شده‌است : چنانکه ٣، ٩، ٣٦، ٥٤ ، امابرخلاف‌آن، دوکلمهٔدیگراز یکدیگر جدانوشته‌شده‌است : چندان‌که ٨ ، همچنان‌که ٦

مر، جز ، از ، اندر، بر+این: درنگارش این کلمات همزهٔ«این» نوشته نشده‌است : مرین٦٣ ، جزین ١٦ ، ازین ٥٩ ، اندرین٦٤ ، برین٢٩

مر+ایشان : بی‌حذف همزهٔ «ایشان» نوشته شده‌است : مرایشان ٥٦ ، ٦٣

به+این ، آن: درتمام‌موارد به‌صورت بذین١٢ ، بذان ٨٠ نوشته‌شده است

...+است : همزه کلمهٔ«است» درتمام‌موارد نوشته شده‌است اعم‌از آن‌که لفظ‌پیش‌ازآن به‌الف ختم‌شده‌باشد یابه‌حرفی‌دیگر : خطااست ٦ ، مقامهااست٢٥ ، مرااست٢٨ ، کجااست٣١ ، ورااست١٠١ ، این‌است١٥ ، اذن‌است ١٥ ، بسیاراست٨٨ ، آن‌استی‌که٧٣ ، محبت‌است ٣١

... + فعل ربطی مخفف (ضمیر متصل فاعلی) :هنگامی که ضمیر متصل فاعلی پس از کلمه‌ای جز فعل ، قرار گرفته به‌دو صورت نوشته شده‌است :

۱ـ بااثبات همزه : وی‌ام۳۸، ۹۶ ، آن‌اند۴۷ ،عام‌اند ، خاص‌اند۴۲ ، حلق‌اند ، بیزاراند۲ ، نه‌ام=نیستم۳۳، ۹۸ ، نه‌اند=نیستند ۱۹ .

۲ـ باحذف همزه : توم=توام۲۴، ٦٥ ، توی=تویی ۲۴، ۴۳ ، توکه‌ی ۸۸ .

ج : کلمه‌های مشکول

دراین نسخه برخلاف دیگر نسخه‌های خطی متعلق به‌قرن پنجم هجری فقط درسه‌مورد کلمات بااعراب نوشته شده‌است : بَستَه۳۱ ، بُبرّاند ۵۳ ، برّافتد۱۲ . بدین جهت نسخهٔ شرح تعرف ازاین جهت حائزاهمیت نیست .

چند نکتهٔ دیگر

کلمات مخفف : چندکلمه دراین متن بصورت مخفف بکار رفته‌است : فکندند ۹٦، ورا ٤ ، مرورا ۴۲ ، کمی‌ساختند=کمین‌ساختند ۹۴ ، کیا= گیاه ۷۷ ، جن=چون ٤ ، ۵، ٦، ۴۷ ، جوامرد ، جوامردی=جوانمرد ، جوانمردی ۸۷ .

دوکلمهٔ «دکان» و «خاگینه» دراین‌متن باضبط «دوکان» : ۹٦ ، «خایکینه» ۸٦ بکاررفته‌است .

ابدال : صورت لهجه‌ای برخی ازکلمه‌ها دراین متن بچشم می‌خورد : بودیتی=بودیدی ٦۲ ، بشوییت=بشویید ۹۰ ، کدشته=گذشته ۱۱، ۹۱، زفان=زبان ٦ ، بداذر=برادر ۲۱، ۷۸ .

* * *
* *
*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

باتوجه به آنچه بعرض رسید پس از بررسی دقیق رسم الخط نسخهٔ خطی بخشی از شرح تعرف مکتوب به سال ٤۷۳ ه.ق. موضوعات ذیل را باید بعنوان ذیلی بر مقالهٔ «رسم الخط فارسی در قرن پنجم هجری» افزود:

۱ــ برخلاف سه نسخهٔ خطی: الابنیه عن حقایق الادویة، هدایة المتعلمین فی الطب ، بخشی از تفسیر پاك كه در آنها چهار حرف فارسی «پ، چ، ژ، گ» از هر چهار حرف مشابه «ب، ج، ز، ك» مشخص گردیده است، در نسخهٔ شرح تعرف فقط حرف «ژ» در تمام موارد از «ز» ، و در يك مورد نیز حرف «گ» بصورت «گ» از «ك» متمایز گردیده است ، اما حرفهای «پ، چ» در تمام موارد نظیر «ب ، ج» نوشته شده است .

۲ــ «آ» که در دو نسخهٔ الابنیه عن حقایق الادویه و هدایة المتعلمین فی الطب به شکلهای « آا » و «اا» «آ» ، «ا» نوشته شده است درنسخه بخشی از شرح تعرف فقط به دو شکل «آ» و «ا» کتابت شده است

۳ــ «ڤ» ڤاء اعجمی که در کلمه‌های معدودی نظیر اڤکند ، بیڤزاید . سرخ ڤام ، بیڤروزاند ، اڤرو ، اڤغان و ذرڤین در سه نسخهٔ مورد بحث آمده است ، در بخشی از شرح تعرف دیده نمی‌شود .

٤ــ در سه نسخهٔ مورد بحث در کتابت برخی از حروف نظیر «ك ، ی» ، نوشتن علامت اضافه پس از کلمات مختوم به «الف» یا «و» ، نگارش انواع یاء پس از کلمات مختوم به هاء غیر ملفوظ تنوع بسیار بچشم می‌خورد . نه فقط بین کاتبان این سه نسخه اختلاف نگارش مشهود است ، بلکه کاتب يك نسخه نیز شکلهای مختلفی را برای کتابت يك حرف یا کلمه بکار برده است. درصورتی که در نسخهٔ بخشی از شرح تعرف این تنوع جای خود را به وحدت داده است . زیرا در این نسخه کمتر دیده می‌شود که يك حرف یا کلمه به چندین شکل مختلف نوشته شده باشد .

[library stamp]

۵ـ درنسخهٔ بخشی ازشرح‌تعرف درقیاس باسه‌نسخهٔ موردبحث نشانهٔ تازه‌ای‌نیز برای تشخیص دوحرف شبیه‌بهم ـعلاوه‌برنقطه‌ـ بکاررفته است وآن قراردادن نشانهٔ «،»است درزیرحرفهای «ح» ، «س» و «ع» برای تمیزازسه‌حرف «خ»، «ش» و«غ» .

٦ـ کلمهٔ«که» دراین‌نسخه برخلاف نسخه‌های‌سه‌گانه موردبحث نه به‌کلمهٔ‌بعدازخود متصل نوشته‌شده ونه به‌شکل«کی» و«جی» کتابت شده است .

* * *

درخاتمه این‌موضوع‌را نیزلازم‌می‌داندا ضافه‌کندکه باپیداشدن‌نسخهٔ خطی بخشی ازشرح تعرف این‌حقیقت روشن‌می‌شود که تنوع رسم‌الخط نسخه‌های خطی‌فارسی ازقرن‌ششم‌هجری به‌بعد یقیناً مربوط بـه‌ابتکار کاتبـان ایـن دوره نیست . بلکـه‌هریك ازایشان‌ازالگوهای رایج درقرن پنجم‌هجری ـوشاید ازالگوهای رایج درقرن‌چهارم‌که تابه‌امروز خبری‌از آن به‌دست‌ما نرسیده‌است‌ـ استفاده‌کرده‌اند . درنتیجه می‌توان‌گفت‌کاتبان قرن ششم‌هجری به‌بعد خود صاحب ابتکاری دراین‌کار نبوده‌اند . زیـرا تاپیش ازمعرفی نسخهٔ‌خطی شرح‌تعرف چون درهرسه نسخهٔ‌خطی متعلق به‌قرن‌پنجم هجری فی‌المثل چهارحرف‌فارسی «پ، چ، ژ، گ» از حروف مشابه‌خود «ب، ج، ز، ك» متمایزگردیده‌است ، ولی ازقرن ششم هجری به‌بعد درنسخه‌های خطی‌فارسی دیده‌می‌شود کـه‌فقط برخی ازکاتبان در این‌مورد همان سنت‌را مراعات‌کرده‌اند ولی دراکثرنسخه‌ها هرکاتب بـه سلیقهٔ‌خود یك یاچندحرف ازاین‌حرفهای چهارگانه‌را ازحروف مشابه‌خود متمایز کـرده است گمان می‌رفت کـه این طـرز کتابت شیوهٔ ابتـکاری کاتبان قرن‌ششم به‌بعد بوده‌است ، درحالی‌که وقتی درنسخهٔ شرح‌تعرف

می‌بینیم کاتب ازچهارحرف فارسی دوحرف «پ، چ»رادرتمام مواردوحرف «گ» را جز دریک‌مورد ازحروف مشابه«ب، ج، ك» مشخص نساخته ولی حرف«ژ»را درتمام‌کلمات مانندامروز باسه‌نقطه نوشته‌است معلوم‌می‌گردد که‌هم متمایزساختن هرچهارحرف موردبحث ازحروف‌مشابه‌آنها در قرن پنجم اصلی‌کلی‌نبوده ، بلکه این‌امر مربوط به‌سلیقهٔ‌کاتبان بوده‌است ، وهم آن‌عده ازکاتبان قرن‌ششم‌هجری به‌بعدکه درنسخه‌های‌خود هرچهارحرف را باعلامتی‌خاص بکارنبرده‌اند ازاسلوب کلی‌کتابت قرن‌پنجم هجری -در نسخه‌ای‌مانند نسخه‌خطی شرح‌تعرف- تقلیدکرده‌اند .

همچنین ازبررسی نسخهٔ شرح‌تعرف چنین‌برمی‌آیدکه برخلاف‌کاتبان سه‌نسخهٔ الابنیه عن‌حقایق‌الادویه ، هدایةالمتعلمین فی‌الطب ، بخشی از تفسیرپاك که‌اصل‌را برتنوع طرزکتابت‌برخی ازحروف قرارداده‌بودند ، در همین‌قرن کاتبی‌نیز وجودداشته‌است‌که سعی‌می‌کرده حتی‌المقدور ازتنوع بپرهیزد وبرای هرحرف ، یك یادونشانه‌بیشتربکارنبرد .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

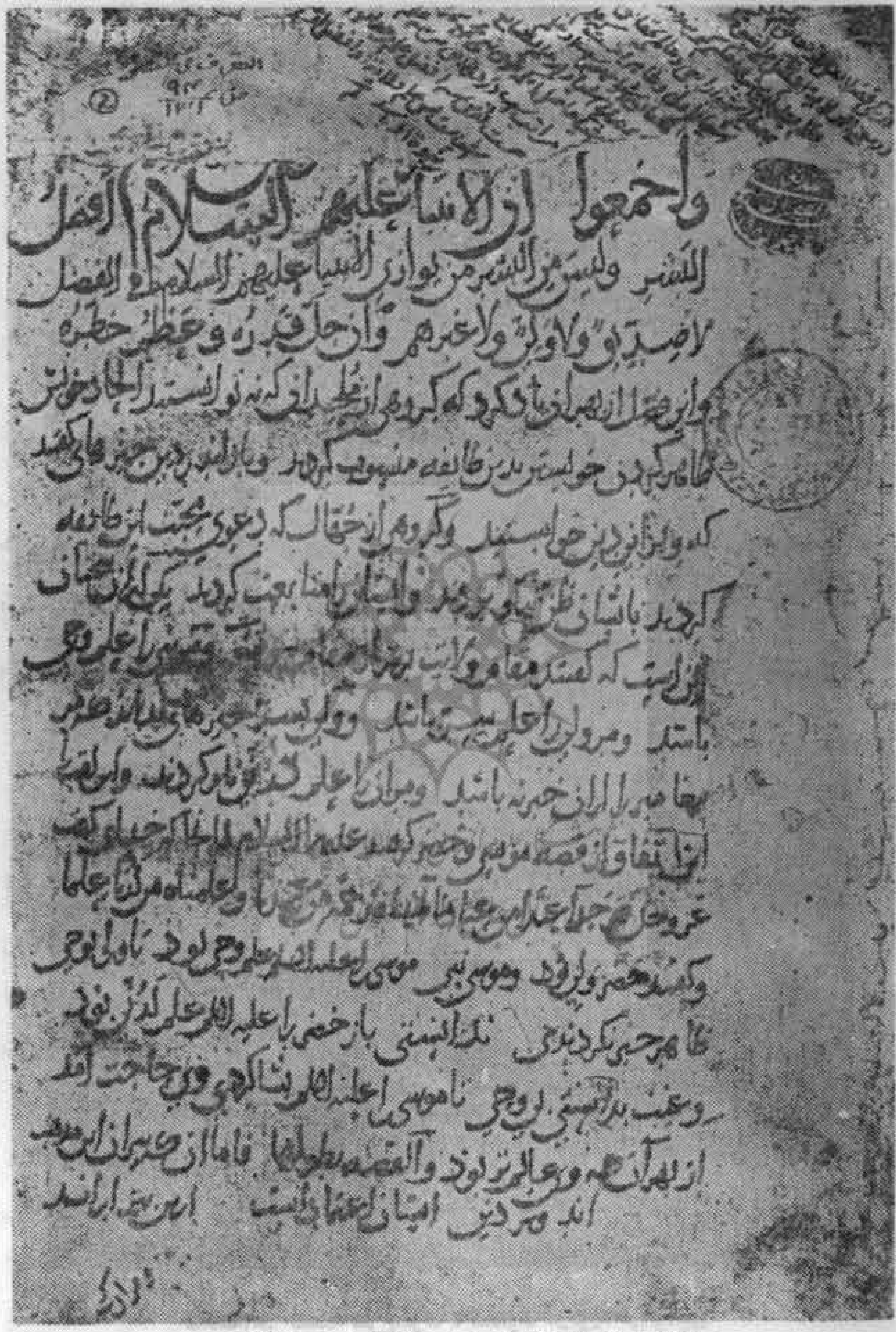
واجمعوا ان الانبياء عليهم السلام افضل
البشر وليس من البشر من يوازى الانبياء عليهم السلام لا في الفضل
لا صديق ولا ولى ولا غيرهم وان جل قدره وعظم خطره

صفحهٔ اول نسخهٔ شرح تعرف، محفوظ در موزهٔ ملی کراچی

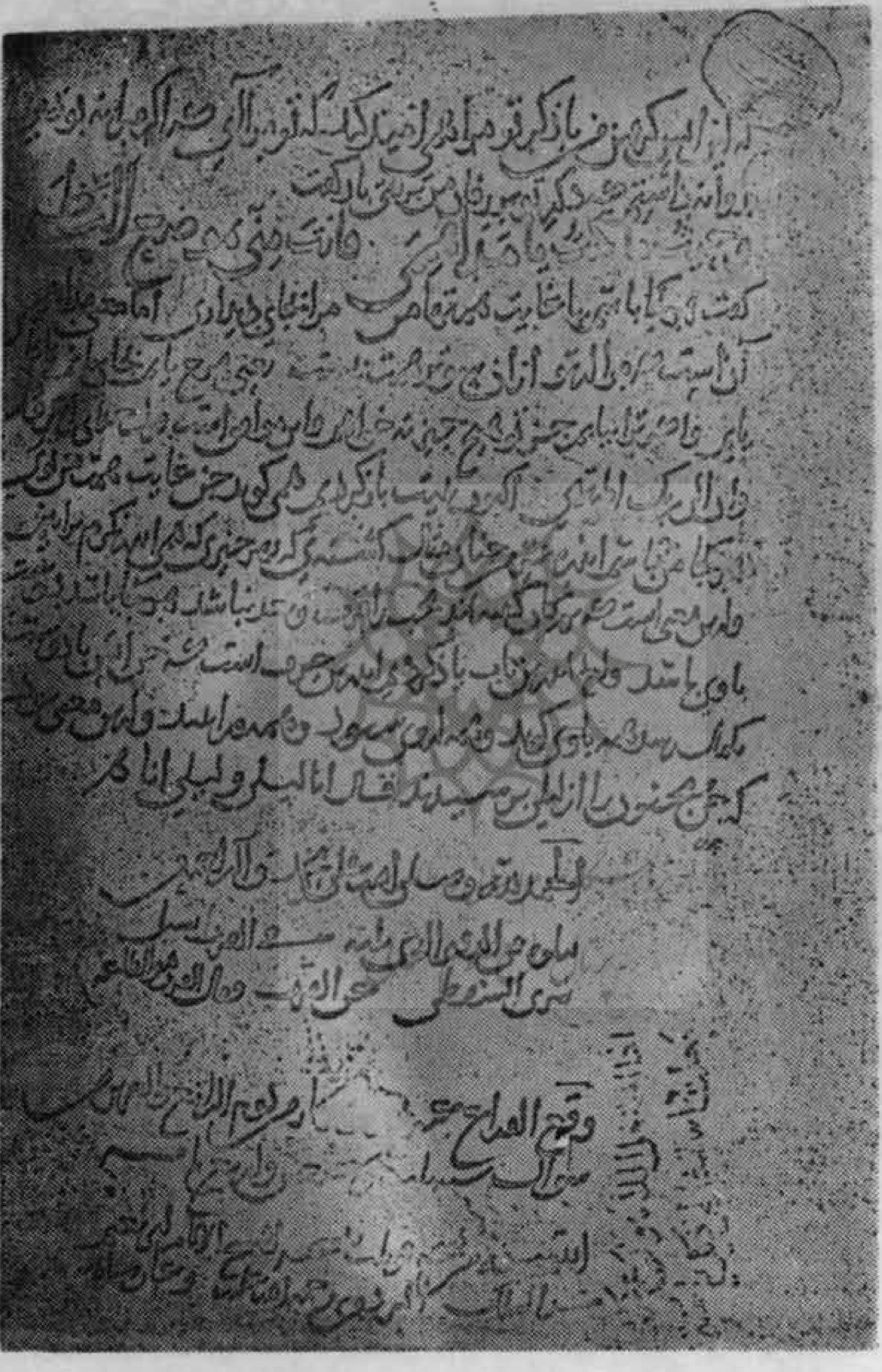

صفحهٔ آخر نسخهٔ شرح تعرف ، محفوظ درموزهٔ ملی کراچی